

حمد مقدّس از ما عند النَّاس محبوبی را سزااست که جمیع عالم را بکلمهٔ واحده خلق فرمود ...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاءالله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شمارهٔ ۳۱۲

جناب نبیل مسافر علیه بهاء الله
فی سنة ۱۲۹۸

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از ما عند النَّاس محبوبی را سزااست که جمیع عالم را بکلمهٔ واحده خلق فرمود و بعرفان و دانش مزین نمود تا کل از رَحیق وصال بیاشامند و از کوثر بیان بعرفان مرزوق گردند برخی از عباد از جذب کلمهٔ الهیه بکمال شوق و شغف و جذب و انجذاب بمطلع ظهور و مشرق وحی اقبال نمودند و بعضی نظر باحتجابات ظنون و اوهام از محبوب خود محروم ماندند نه ندایش را اصغاً نمودند و نه بافقتش فائز گشتند از کوثر وصال محرومند و از رَحیق لقا ممنوع مع آنکه نار طلب در کل مشتعل و در لیالی و ایّام بذکر ایّام ظهور مالک انام مشغول ولکن چون ید قدرت حجاب را خرق نمود و انوار آفتاب حقیقت از خلف سحاب اشراق نمود کل در تیه اوهام و بادیه‌های ظنون سرگردان مشاهده شدند طوبی از برای نفسیکه فائز شد بآنچه مقصود عالمیانست لله الحمد که آنجناب مرّة بعد مرّه و کرّه بعد کرّه بغایت قصوی و مقصود من فی الارض و السّماء فائز شدند ندای مالک اسما را شنیدند و بعنایتش فائز گشتند هنیئاً لک و مرئئاً لجنابک حق شاهد و گواهست که از روزیکه آنجناب حسب الامر بوطن ظاهر راجع شدند در کلّ اوان در نظر اینعبد بوده‌اند و در ساحت امنع اقدس اعلا هم مذکورند دو طغرا دستخط آنجناب مسرّت و ابتهاج بخشید یکی از آن دو در این لیل که لیل پانزدهم ماه مبارک رمضانست رسید و بعد از ملاحظه اینعبد بساحت اقدس فائز و تمام آنرا معروض داشت هذا ما نطق به لسان القدم فیهذا المقام قال عزّ کبریّائه

یا نبیل یا ایّها المسافر الی الله قد سمعنا ضجیجک و صریحک و حنینک فی حبّ الله انا کما معک و نکنون معک فضلاً من لدنا ان ربّک هو الفضال الکریم و اریناک فی المنام ما سرّ به فؤادک و انشرح به صدرک و قرّت به عینک ان ربّک هو الشاهد السّميع قد عرض العبد الحاضر ما فی کتابک اجیناک من قبل و فیهذا الحین ان ربّک هو الکریم الحمد لله از



ORIGINAL

نسیم صبح الهی بیدار شدی و یوم الله را ادراک نمودی ندانش را شنیدی و از قلب و لسان و ارکان بقول یلی و لیبیک مؤید گشتی در وقتیکه غفلت ارض را احاطه نموده بود تو از کلمه آگاه شدی جمیع ابصار از برای این یوم خلق شده و جمیع آذان از برای این یوم بوده و لکن بعد از طلوع و ظهور و اشراق کل محروم و محجوب مشاهده شدند الا معدودی و آن معدود از اهل فردوس اعلی لدی الله مذکور یا ایها السالک الی سبیلی و الناظر الی افقی حمد کن مالک قدم را که ترا بمقامی فائز فرمود که قلم اعلی در بارهات شهادت داده اینمقام بسیار عظیم است ان اعرف و کن من الشاکرین انشاء الله باید آنچه تلقاء وجه اصغا نمودی بعمل بآن فائز شوی حکمت از نظر نرود چه که از اعظم احکام الهی بوده و هست باید در کل احوال باو متمسک باشی کوثر عرفان را آشامیدی و لکن باید اثر آن از لب ظاهر نشود اینست حکمیکه بآن مأموری و باید بآن عامل شوی آنچه الیوم سبب تسکین عباد است بآن باید تمسک جست چه اگر ضوضا مرتفع شود سبب اضطراب و انقلاب نفوس ضعیفه خواهد شد حق جلّ جلاله کریم است و رحمتش سبقت گرفته کل وجود را از غیب و شهود انا قلنا من قبل لا تطمنن من کلّ وارد و لا تصدّق کلّ قائل از هر نفسی نباید مطمئن شد و نزد هر نفسی هم نشاید لؤلؤ محبت الهی را اظهار نمود چه که اکثر عباد سارق و خائن و ملحد مشاهده میشوند ان ربک یقول الحقّ و یرہدی السبیل و هو العزیز الجلیل انتہی

از آیات منزله و بیانات مالک احدیه فضل و رحمت و عنایت و شفقت حق جلّ جلاله نسبت بآنجناب واضح و لائحست یا محبوب فوادی لعمر الله بمقام عظیم فائز شدید الیوم شأن آن معلوم نیست چه که ظاهر نیست و لکن البتّه اینمقام بر عالمیان ظاهر و هویدا خواهد شد حسب الامر باید آنجناب بجمیع وسائل ستر متمسک باشند چه اگر امر آنجناب واضح شود بیم آنست که ضرر وارد گردد و این منافی است با حکمتیکه مأمورید بآن از نزد حق با کل بحکمت و مدارا رفتار نمائید حال حفظ وجود آنجناب بر خود آنجناب و سایر دوستان لازم است چه که بخدمت امر قائمید و اینمقام اعظمست از سایر مقامهای بلند اعلی که استماع شده و میشود از حق این خادم فانی میطلبد که شما را بآنچه امر فرموده مؤید فرماید انّه لھو المقتدر القدیر

از جمله عنایت حق آنکه در حینیکه مکتوب آنجناب عرض شد همان حین جواب از سماء مرحمت و عنایت نازل ان ربنا الرحمن لھو الفضال المشفق المعطى الغفور الکریم اینکلمه در دستخط آنجناب مرقوم بود گردنیکه بعشق بلند شد البتّه بشمشیر افتد و سربیکه بحبّ برافراخت البتّه بباد رود و قلبیکه بذکر محبوب پیوست البتّه پر خون خواهد شد اینتراتب در پیشگاه حضور معروض گشت فرمودند شما از فضل الهی و رحمت نامتناهی ربّانی بشهادت کبری فائزید و اینمقام فوق شهادت ظاهر است هر نفسی الیوم باراده الهی تمسک جست و بمشیت او فائز گشت او بشهادت کبری فائز است چه که از خود و اراده و مشیت خود فانیت و باراده و مشیت حق جلّ جلاله و عمّ نواله باقی و متحرک لذا ابداً در فکر شهادت ظاهره مباش باعلای از آن فائزی بکمال صبر و سکون و وقار باید حرکت نمائی اظهار کلمه ئی که سبب ضوضا و غوغای عباد شود جایز نه و در کتاب الهی نهی شده نهیاً عظیماً با دوستی و بذکر او مشغول و مشغوفی و بخدمتش قائم کدام مقام اعظم از اینمقام است قسم بآفتاب بیان که از افق سجن طالعت که مقامی اعظم از اینمقام نبوده و نیست و دقیقه این حیات و زندگانی را قرون متوالیه و احقاف مترادفه و عهدهای متعدده معادله ننماید اینست آفتاب بیان که از افق سماء عنایت رحمن اشراق نموده انشاء الله باو منور و مسرور و متمسک و متشبّث باشید انتہی

و اینکه مخصوص جناب محمد قبل علی علیه بهاء الله استدعای لوح اقدس نمودند در ساحت عزّ احدیه عرض شد و باجابت مقرون لوحی از سماء فضل نازل و مخصوص ایشان ارسال شد برسانید انشاء الله بذکر حق و ثنای حق و خدمت امر حق مشغول باشند و باخلاق روحانیه و اعمال مرضیه مزین وقتی لسان قدم باینکلمه محکمه مبارکه ناطق قوله عزّ کبریاته

یا خادم و یا عبدی الحاضر بنویس بجناب نبیل الذی توجه بعد الاذن الی الافق الاعلی دوستان الهی را بکمال روح و ریحان از قبل حق وصیت نماید و جمیع را بآداب حسنه و اعمال طیبّه و اخلاق روحانیه دعوت کند تا کل بما یحبّه الله و یرضی فائز شوند و همچنین بگویند و اخبار نمایند که فساد و نزاع و جدال و امثال آن شأن سبع ارض است شأن انسان مقدّس و منزّه و مبرا از این امور

یا اهل البهّاء باعمال حق جلّ جلاله را نصرت نمائید و مدائن قلوب را باشمش فتح کنید مدن ظاهره و برّ و بحر را حق تعالی شأنه بملوک و گذاشته لایق توجه دوستان الهی که فی الحقیقه از کوثر بقا آشامیده‌اند و بافق اعلی ناظرند نبوده و نیست و همچنین جمیع را امر نمودیم که بامری از امور و بشغلی از اشغال مشغول باشند طوری از برای نفسیکه حمل نمود و حمل نشد بکسب و اقتراف توجه نمایند فلسی از آن عند الله احبّ است از کنزیکه بغیر حق جمع شود و آماده گردد انشاء الله کل فائز شوند بآنچه از قلم اعلی نازل شده آنّه یرهدی من یشاء الی صراطه المستقیم الحمد لله العزیز الحکیم انتهى

این خادم فانی بصد هزار عجز و نیاز و ناله و ابتهال از حقّ منیع سائل است که دوستان خود را مؤیّد فرماید بر عمل بآنچه در کتاب نازل شده آنّه یحفظهم و یقرّبهم و یغنیم عن دونه ان هذا الا فضل عظیم

و اینکه در باره زیارت مرقوم داشتند بعد از عرض مکتوب در ساحت اقدس بنیابت آنجناب زیارت مفصل بعمل و الحمد لله بطراز قبول فائز شد هنیئاً لجنابک و لعبد القائم لدی العرش

و اینکه در فقره عطر نوشته بودند انشاء الله میرسد و بنعمت وصال فائز میگردد حال مرزعه منظر اکبر واقع است مکتوب جناب آقا محمدعلی هنوز نرسیده انشاء الله میرسد

و در باره قطعه مبارکه مرقوم داشته بودند انشاء الله میرسد و بآن فائز میشوند انشاء الله در جمیع احوال بخدمت امر و حفظ نفس خود لاجل خدمت موفق و مؤیّد باشند

انّ ربنا الرحمن هو الحافظ المقتدر العليم الحکیم البهّاء علی حضرتک و علی من معک و علی الذین فازوا بهذا الامر العظیم